



مهاجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به ایران^۱

(علل، انگیزه‌ها و پیامدها)

فاطمه سادات علوی علی‌آبادی^۲

چکیده

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یکی از شاخص‌ترین امامزادگان مهاجر به ایران است که روایات متعددی در فضیلت ایشان، از سه امام معصوم علیهم السلام روایت شده است. فرهنگ و تاریخ تشیع، با فرهنگ و تاریخ شهر قم و زندگانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، ارتباطی مستمر دارد. علل، انگیزه‌ها و پیامدهای هجرت فاطمه معصومه علیها السلام به ایران، سؤال اساسی این تحقیق است. برخی شواهد تاریخی حاکی از دلتنگی آن بانو برای امام رضا علیه السلام و شوق ایشان به زیارت برادر می‌باشد. در این مقاله می‌کوشیم اثبات کنیم این امامزاده، با تأسی به اجداد طاهرنش و در ادامه فعالیت‌های علمی و روایی خویش و در اعتراض به وضعیت موجود و حکومت وقت، هجرتی آگاهانه و قیامی سیاسی عقیدتی را به جان خرید. نویسنده با مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی تحلیلی، برخی علل، انگیزه‌ها و پیامدهای سفر فاطمه معصومه علیها السلام را مورد کنکاش قرار داده و دریافته است که مهم‌ترین وجه تمایز این امامزاده نسبت به سایر امامزادگان ایران، نقش محوری مدفن ایشان به عنوان مرکز ثقل جغرافیای معرفتی جهان تشیع و محوریت نشر معارف اهل بیت علیهم السلام در عالم می‌باشد.

واژگان کلیدی: امام رضا علیه السلام، فاطمه معصومه علیها السلام، هجرت، قم، شیعیان.

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۲/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۵.

۲. دکترای تاریخ اسلام و استادیار جامعه‌المصطفی / F_Alavi@miu.ac.ir

مقدمه

در بررسی علل، انگیزه‌ها و پیامدهای مهاجرت امامزادگان به ایران، اولین مطلبی که ذهن محقق را مشغول می‌کند تعداد زیاد قبور منسوب به ایشان است. اما محقق تاریخ، در این پژوهش به دنبال دو ویژگی می‌گردد: اولین ویژگی، شرافت نسبی و جلالت قدر صاحب آن مرقد می باشد و دومین ویژگی، معلوم بودن قبر آن بزرگوار و صحت نسب قبر به او است؛ البته جمع بین این دو مطلب، بسیار کم اتفاق می‌افتد. مرقد فاطمه کبری علیها السلام ملقب به فاطمه معصومه علیها السلام در شهر قم، از جمله آرامگاه‌های امامزادگان در ایران است که در هر دو ویژگی ممتاز است؛ روایات متواتر از ائمه طاهرين علیهم السلام، مهر تأییدی بر شرافت نسبی آن بانوی جلیل‌القدر است و کتب معتبر تاریخی، مؤید نسب قبر مطهر، به ایشان است. حضرت معصومه علیها السلام که ظاهراً تنها خواهر ابوبینی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بوده است مدتی بعد از انتقال اجباری آن حضرت به مرو، راهی خراسان شد و در بین راه در شهر قم، بیمار شد و بعد از ۱۷ روز به لقاءالله پیوست. شواهد تاریخی، حاکی از وجود شرایط نابسامان سیاسی - مذهبی در عصر این امامزاده عظیم‌الشأن و فشار حکام عباسی بر خاندان ایشان (به ویژه پدر و برادر بزرگوار ایشان) و ظهور فرقه‌ها و نحله‌های گوناگون در آن عصر است که بعضی از این جنبش‌ها، مانند شعوبیه، برای موجودیت اسلام، خطر جدی ایجاد کرده بودند. در این پژوهش به بررسی برخی علل، انگیزه‌ها و پیامدهای مهاجرت فاطمه کبری علیها السلام به ایران می‌پردازیم و در این راه ناگزیر خواهیم بود ضمن ارائه جستاری از پیشینه تاریخی شهر قم، به عنوان مأمن این بانوی کریمه، اوضاع سیاسی مذهبی حاکم بر عصر زندگی این بانوی جلیله و موضع‌گیری‌های مأمون - خلیفه عباسی - در مقابل ایشان و برادر بزرگوارشان، امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام را بررسی نماییم.

۱. شهر قم، مامن امامان و امامزادگان و سادات

شهر قم، قبل از اسلام به صورت چند قلعه بوده که عده‌ای زرتشتی و یهودی در آن زندگی می‌کردند. (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸) در اوائل قرن اول و در سال ۲۳ هجری، شهر قم توسط لشکر اسلام فتح گردید و رفت‌وآمد مسلمانان عرب به قم آغاز شد. شمار زیادی از اشعری‌ها یا خاندان قمی - که نخستین ساکنان عرب، در شهر قم بودند- (موسوی چهارسوقی اصفهانی، بی‌تا: ۱۸۸) در کتب رجالی شیعه، به عنوان صحابی ائمه معرفی شده‌اند. (قمی، ۱۳۶۱: ۲۷۸)

ارتباط قمی‌ها با ائمه، از دوران امام محمدباقر علیه السلام آغاز گردیده و در زمان ائمه بعدی توسعه یافته است. شیعیان قم، نخستین کسانی بودند که برای ائمه علیهم السلام خمس می‌فرستادند. (قمی، ۱۳۶۱: ۲۷۹) در منابع تاریخ شیعه و برخی منابع سنی، قم و مردم قم به عنوان بهترین مامن یاد شده‌اند (ابن فقیه همدانی، ۱۹۶۷: ۲۶۳-۲۶۴)؛ آنان در دوران اختناق اموی و عباسی، علویان و طالبیان را در شهر خود پذیرا بودند؛ تا جائی که از این شهر به‌عنوان «مأوی فاطمیان» یاد شده است. (قمی، ۱۳۶۱: ۹۸) اگر امامزاده احمدبن محمد حنفیه در شهر قم، به درستی فرزند یا نواده محمدبن حنفیه باشد، می‌توان مهاجرت علویان و طالبیان به این شهر را هم‌زمان با آمدن اشعری‌ها در اواخر قرن اول یا اوایل قرن دوم دانست. (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۹۰-۱۹۱) از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است: «خدا دارای حرمی است که آن مکه است و پیامبرش هم حرمی دارد که مدینه است و امیرالمؤمنین علیه السلام هم حرمی دارد که کوفه است و ما هم دارای حرمی هستیم که قم است و به زودی، بانویی از فرزندان من آنجا دفن می‌شود که نامش فاطمه است. هرکس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود». (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۵).

به نقل برخی تواریخ، تعداد شیعیان و علویانی که در مدت اقامت حضرت رضا علیه السلام در مرو، از مدینه‌النبی به سوی ایران عزیمت نموده‌اند ۱۲۶۷۳ بوده‌اند. (ابومخنف، ۱۳۴۸: ۷۳) در ایام ولایتعهدی امام علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه السلام، گروه‌های زیادی از سادات، به سمت خراسان عزیمت نمودند که از جمله

ایشان، جماعتی بودند که با فاطمه معصومه علیها السلام، همراه شدند؛ اینان در منطقه ساوه مورد هجوم لشکر مأمون قرار گرفتند و به‌طور کلی مقتول، اسیر یا متفرق شدند. در همین زمینه گزارشات تاریخی حاکی از پیگرد برخی از بستگان امام موسی بن جعفر علیه السلام در مسیر هجرت به خراسان است؛ بی‌بی رقیه، حبیبه، رقیه، ساره، فاطمه و هاجر، نمونه‌هایی از این سادات هستند که در راه رفتن به خراسان در ری به دستور مأمون عباسی به شهادت رسیدند و در محدوده ری به خاک سپرده شدند. (ابومخنف، ۱۳۴۸: ۶۶) برخی پژوهشگران معتقدند عوامل حکومت بنی‌عباس، پس از قتل‌عام کاروان همراهان فاطمه معصومه علیها السلام، آن بانو را نیز مسموم نمودند. (تشید، ۱۳۳۱: ۱۶۸).

دومین گروه از سادات که در همین ایام، از حجاز وارد ایران شدند، اتباع و همراهان احمد بن موسی بن الکاظم، معروف به شاه چراغ بودند که تعداد ایشان را ۱۲۰۰۰ نفر ذکر نموده‌اند؛ به دستور مأمون عباسی، قتل‌خان - حاکم فارس - آنان را در شیراز محاصره کرد و به‌طور کلی آن‌ها را مقتول یا متفرق نمود. (علم‌الهدی، ۱۳۴۸: ۹۵)

در زمان غیبت صغری، حسین بن روح - یکی از نواب امام زمان علیه السلام - کتاب التادیب را برای گروهی از فقهای قم فرستاد تا در مورد آن اظهار نظر کنند. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۹۰) شاید بتوان از این روایت چنین نتیجه گرفت که در آن زمان، تفکر شیعی قم، مبنای اساسی برای تشیع مقبول بوده است. (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۸۹) جایگاه مهم و تأثیرگذار قم و مردم قم، از همان سده‌های نخستین اسلام، مورد توجه مورخان قرار گرفته است و آثاری مانند «فضل قم و الکوفه»، در همین زمینه نگاشته شده است. (النجاشی الکوفی، ۱۴۱۶ق: ۱۷۷) امام خمینی درباره این شهر و مردم آن می‌گوید: «قم، حرم اهل بیت علیهم السلام است. قم، مرکز علم است. قم، مرکز تقواست. قم، مرکز شهادت و شهامت است. از قم، علم به همه جهان صادر شده است و می‌شود؛ و از قم، شهادت به همه جا صادر می‌شود. قم شهری است که در آن ایمان و علم و تقوا پرورش

یافته و از آن وقتی که قم بوده است، قم از زمان ائمه اطهار علیهم السلام، مورد توجه اسلام بوده است؛ و از قم تقوا، شجاعت، شهامت و همه فضایل به همه جا صادر می‌شود و صادر خواهد شد...» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶۵)

۲. ظهور فرق و نحل گوناگون در دوره زندگانی فاطمه معصومه علیها السلام

دوران نوجوانی فاطمه معصومه علیها السلام مقارن با ایام امامت برادر بزرگوارش، علی بن موسی الرضا علیه السلام بود. در دوران امامت آن حضرت، فرقه‌ها و مذاهب گوناگون پدید آمد: برخی امامت دیگر برادران آن حضرت را پذیرفتند. گروهی معتقد به جانشینی امام رضا علیه السلام و تفویض منصب ولایت به ایشان بودند؛ این گروه، قطعیه نامیده شدند. عده‌ای هم امام کاظم علیه السلام را به عنوان مهدی شناختند و امامت را به آن حضرت ختم نمودند؛ این گروه به واقفیه معروف شدند. از سوی دیگر در دوره زندگانی فاطمه معصومه علیها السلام، نهضت‌های متعدد سیاسی - اجتماعی در مناطق اسلامی به‌ویژه در ایران که محل ظهور دعوت عباسیان بود ظهور و نمود یافت. نهضت شعوبیه، یکی از مهم‌ترین این جنبش‌های ضد مکتبی بود.

زمزمه عقاید شعوبیه از اواخر عهد اموی، که «اسماعیل بن سيار» در حضور «هشام بن عبدالملک» مفاخر ایرانیان را برمی‌شمرد آغاز شد و با روی کار آمدن عباسیان، تبلیغات شعوبیه و مبارزه ایشان با عرب، علنی شد. دعوت شعوبیه سه مرحله را پشت سر گذارد: نخستین مرحله، تسویه میان جنس عرب و غیر عرب بود که توانستند در آن پیشرفت نمایند. دومین مرحله، اعلام ضدیت و دشمنی با جنس عرب بود که در این مرحله نیز پیشرفت حاصل نمودند. سومین مرحله این بود که شعوبیان با جنس عرب و هر آنچه منسوب به آن بود (حتی دین اسلام) مخالفت کردند. (همایی، ۱۳۶۳: ۹۹)

این مرحله، خطری بزرگ در جهت رشد و اعتلای اسلام در ایران و مناطق اطراف گردید؛ چراکه شعوبیان طرفداران بسیاری در میان شیعیان و خوارج و معتزله و... داشتند. (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۳۸۶) به عنوان نمونه در مورد رابطه

مکتب تشیع با مسلک شعوبی می‌توان اظهار داشت چون پناهگاه هر دو، ایران بوده است و همچنین تبلیغات شیعی بر پایه رفق و مدارا با تمامی مسلمانان و شایسته‌دانستن خاندان پیامبر ﷺ برای خلافت انجام می‌شد (به‌دور از ادعای عرب که خلافت را حقّ عرب می‌دانست)، زمینه نزدیکی هواداران شیعی و شعوبی مهیا گردید. (نبئی، ۱۳۷۶: ۷۵) و در مورد رابطه آنان با خوارج نیز می‌توان اعتقاد خارجیان را که خلافت را ویژه اعراب و قریش نمی‌دانستند و هرکسی را که متقی‌تر و مؤمن‌تر بود، شایسته خلافت می‌پنداشتند سبب‌ساز نزدیکی این دو فرقه دانست. (نبئی، ۱۳۷۶: ۷۶)

از سوی دیگر سهل‌انگاری و تسامح خلفای عباسی نیز این نهضت را کمک کرد (زرین‌کوب، ۱۳۸۴: ۱۵)؛ حتی در عصر خلفای عباسی، برخی از شعوبیان که شدیداً ضد عرب بودند و علیه عرب، کتاب می‌نوشتند به مناصب حکومتی دست یافتند: به عنوان نمونه سهل‌بن‌هارون شعوبی، مدیر بیت‌الحکمه هارونی و مأمونی بود. (زیدان، ۱۳۸۴: ۷۸۲)

۳. هجرت و ولایت‌مهدی اجباری امام رضا

یکی از سیاست‌های راهبردی خلفای عباسی، به حاشیه‌راندن اهل‌بیت پیامبر ﷺ و حذف ایشان بود تا بتوانند با حره انتساب به پیامبر ﷺ، خود را به جای آن‌ها بر مردم تحمیل نمایند. در ایام خلافت هارون‌الرشید، تمام طالبیان از بغداد به مدینه رانده شدند و این به دلیل کینه‌ای بود که هارون نسبت به ایشان داشت. (ابن‌اثیر، ۱۳۸۰: ۳۶۳۳/۸) کارگزار هارون در کوفه، مرقد امام حسین ﷺ را خراب کرده و زمین کربلا را به زیر شخم برد. علاوه بر آن، درخت سدري را که در کنار آن بقعه شریف، زائران را سایبان بود برید. (امین، بی‌تا: ۳۰۴/۴) مأمون، خلیفه عباسی نیز همین سیاست را ادامه داد؛ او برای رسیدن به هدف، از سلف خویش، مهدی عباسی الهام گرفت: مهدی عباسی با گماشتن یعقوب‌بن‌داوود زیدی به وزارت، از فعالیت زیدیان کاسته و موجب افول شوکت و قدرتشان شده بود؛ ضمن اینکه ورود زیدیان در امور حکومتی،

خوف و هراسی در سران بنی عباس ایجاد نکرده بود. (عاملی، ۱۳۶۵: ۲۲۶) مأمون که به روابط تیره زیدیه و امامان اهل بیت علیهم السلام و فقدان هماهنگی بین آنان و شکوه اهل بیت علیهم السلام از کینه‌توزی‌های زیدیه، آگاهی کامل داشت (فیض کاشانی، بی تا: ۲/۲۲۹) تصمیم گرفت به وسیله بیعت‌گیری برای امام رضا علیه السلام، هم زیدیه و هم امامیه را در زیر چتر کنترل خود درآورد.

در باب ولایتعهدی امام رضا علیه السلام چند نکته قابل تأمل است: اول آنکه به نظر می‌رسد مأموران عباسی، مسیر حرکت امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده بود که آنحضرت در طول سفر، ارتباط چندانی با شیعیان و ارادتمندانش نداشته باشد؛ چراکه مأمون در مورد مسیر حرکت کاروان امام رضا علیه السلام به رجاء بن ابی‌الضحاک دستور داده بود: «لاتأخذ علی طریق الکوفه و قم». (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۴۸۱) دوم آنکه امام رضا علیه السلام همراه با جمعی از آل ابی‌طالب، به طرف مرو حرکت نمود. (اربلی، بی تا: ۲/۲۷۵) سوم آنکه ولایتعهدی بر امام رضا علیه السلام تحمیل شد؛ آنحضرت در شرایطی، این امر را پذیرفت که میان قبول ولایتعهدی یا قتل، یکی را می‌بایست اختیار می‌کرد. (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۴۶۹) چهارم آنکه از مهم‌ترین اهداف مأمون در تحمیل ولایتعهدی به امام رضا علیه السلام، خدشه‌دار کردن وجهه آن حضرت علیه السلام و به بن بست کشاندن جنبش مکتبی بود. او در برابر عباسیان معترض به ولایتعهدی امام رضا علیه السلام تصریح کرد که هدفش، کاستن از شخصیت و عظمت آن حضرت بوده است تا آن حد که در انظار مردم، امام رضا علیه السلام شایستگی خلافت را نداشته باشد. (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۵۰۴)

۴. مقام علمی و معنوی فاطمه معصومه علیها السلام

روایات تاریخی شهادت می‌دهند که فاطمه معصومه علیها السلام از همان دوران کودکی با بهره‌گیری از تربیت نورانی دو امام معصوم علیهم السلام و با استعداد و صفات ذاتی که داشت، به مسائل فقهی و دینی، مسلط شد تا بتواند در صحنه‌های علمی و عملی، حضوری فعال و پویا داشته باشد؛ حتی این بانوی

محدثه، در پاره‌ای موارد در غیاب امام موسی بن جعفر علیه السلام، پاسخ‌گوی شیعیان آنحضرت از کشورهای دیگر بوده است. مرحوم مستنبط، سند این روایت را از کتاب «کشف اللثالی» تألیف دانشمند نامی شیعه در قرن نهم - ابن‌العردس (حدود ۸۴۰ ق) - ذکر نموده است. این کتاب به طبع نرسیده و نسخه خطی آن در کتابخانه شوشتری‌های نجف اشرف، موجود است. (مهدی‌پور، ۱۳۷۴: ۱۷۱)

از کتب حدیث چنین برمی‌آید که فاطمه معصومه علیها السلام از مشایخ اجازه و از روایتی است که در سلسله اسناد احادیث، مذکور است. احادیثی از ایشان در زمینه دوستی آل محمد علیهم السلام و حدیث غدیر و منزلت، نقل شده است که به علت بی‌واسطه بودن در میان اصحاب و راویان حدیث، اهمیت بسزایی دارد. به عنوان نمونه حدیث «فاطمیات» که به علت قرار گرفتن چند فاطمه در سلسله سند، این چنین نام گرفته است، به نقل از فاطمه دختر حسین رضوی، از فاطمه دختر عبدالله علوی، از فاطمه دختر موسی مبرقع، از فاطمه دختر امام رضا علیه السلام، از فاطمه دختر امام موسی بن جعفر علیه السلام، از فاطمه دختر امام صادق علیه السلام، از فاطمه دختر امام باقر علیه السلام، از فاطمه دختر امام سجاد علیه السلام، از فاطمه دختر امام حسین علیه السلام، از زینب دختر علی علیه السلام، از فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین روایت می‌کند: آگاه باشید! هرکس با دوستی آل محمد علیهم السلام بمیرد، شهید از دنیا رفته است. (زمخشری، بی‌تا: ۴/ ۲۲۰)

روایت این حدیث و احادیث مشابه، که توجه مسلمانان را در تعظیم و تشویق دوستی آل محمد علیهم السلام برمی‌انگیزد و کشته‌شدن در راه این خاندان را هم‌سنگ شهادت در راه خدا - که بالاترین مقام عندالله است - معرفی می‌نماید در جامعه خفقان‌گرفته عباسی، که دستداران اهل بیت علیهم السلام همواره در خطر زندان و شکنجه و ترور ناجوانمردانه قرار داشتند، نشان از تلاش حضرت معصومه علیها السلام و دیگر راویان، در ادامه جنبش مکتبی و مبارزه فرهنگی شیعه

بود که با هجرت امام رضا علیه السلام و یاران و دوستان آن حضرت به ایران آغاز شده بود.

۵. مهاجرت فاطمه معصومه علیها السلام به ایران و انتخاب شهر قم برای اقامت

برخی محققان براین باورند که هجرت فاطمه معصومه علیها السلام به ایران، به امر امام رضا علیه السلام و با صلاحدید آن حضرت صورت گرفته است؛ به اینصورت که امام هشتم علیه السلام پس از استقرار در مرو، نامه‌ای به فاطمه معصومه علیها السلام می‌فرستد و به دلایلی که از دید مورخان پوشیده مانده است، از ایشان می‌خواهد که در اولین فرصت، به سوی خراسان حرکت نماید. (سید داخل، ۱۴۱۲: ۴ / ۴۶۱)

همچنین براساس روایات تاریخی، امام رضا علیه السلام و حضرت معصومه علیها السلام هر دو از یک مادر متولد شده بودند. (طبری، ۱۳۸۳: ۱۴۹) عشق و علاقه فاطمه معصومه علیها السلام به امام رضا علیه السلام علاوه بر ابعاد دیگر، از بُعد رابطه عاطفی و شخصی نیز بود؛ از این رو، اگر نگوییم مهم‌ترین علت، حداقل یکی از علل هجرت تاریخی ایشان، شوق دیدار برادر بوده است. (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۳)

از سوی دیگر، پس از هجرت امام رضا علیه السلام به مرو، خلأ حضور آن حضرت در مدینه بسیار محسوس بود؛ زیرا ایشان نور امامت و تکیه‌گاه و امید خاندان اهل بیت علیهم السلام بود. امام هشتم علیه السلام قبل از حرکت به مرو، خانواده و یاران خود را طلبید و خبر شهادت و عدم بازگشت خود را به ایشان اعلام نمود. (مجلسی، ۱۳۷۶: ۹۳۴) پس از هجرت آن حضرت، خاندان اهل بیت علیهم السلام بدون سرپرست و چشم‌انتظار دریافت خبر شهادت مقتدای خویش از خراسان، روزگار می‌گذراندند. در همین راستا، حضرت معصومه علیها السلام با درک اوضاع سیاسی و تجربه از عملکرد گذشته حکومت در دوران پدر بزرگوار خویش، پیش‌بینی می‌کرد که اوضاع سختی پس از شهادت امام خویش در مدینه خواهد داشت. به این جهت به نظر می‌رسد فاطمه معصومه علیها السلام و

برادرانش، پیش از شروع درگیری و جلوگیری حکومت از خروج آن‌ها، با پیش‌بینی به موقع، آگاهانه و به قصد روشنگری، مدینه را به سوی ایران ترک نمودند.

به هرحال همانگونه که هجرت امام رضا علیه السلام، مقدمه یک تحول عظیم فکری در جامعه خمود آن روزگار و آغاز مبارزه فرهنگی آشکار، با مخالفان اسلام و دشمنان امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام بود، به نظر می‌رسد هجرت فاطمه معصومه علیها السلام نیز، یک هجرت عادی نبوده است و آن بانوی محدثه، تنها به دلیل دلتنگی از برادر، عازم این سفر پرخطر نشده است؛ بلکه حضرت معصومه علیها السلام به عنوان فاضل‌ترین بانوی خاندان اهل بیت علیهم السلام در عصر خود، علاوه بر فعالیت‌های علمی و روایی و بیان احادیث شیعه در خصوص غدیرخم و ولایت و امامت، در حرکتی سیاسی - اجتماعی همراه برادران خویش، به عرصه مبارزه وارد شد و هجرت را به عنوان عامل اعتراض به وضعیت موجود و حکومت وقت برگزید.

مسیر سفر حضرت معصومه علیها السلام برخلاف مسیر سفر امام هشتم علیه السلام، از راه اصلی و میانه ایران بوده است و به نظر می‌رسد به دلیل اعتبار تشیع در شهر قم و شهرت شیعی مردم قم بود که فاطمه معصومه علیها السلام، هنگامی که در شهر ساوه بیمار شد، درخواست نمود ایشان را به شهر قم ببرند؛ کریمه اهل بیت علیها السلام در آستانه ورود به این شهر، مورد استقبال موسی بن خزر ج بن سعد اشعری قرار گرفت و ۱۷ روز در منزل موسی، مهمان بود. پس از وفات آن بانوی مکرمه، موسی بن خزر ج مراسم غسل و تکفین و تدفین آن حضرت را در یکی از زمین‌های شخصی‌اش معروف به بابلان، انجام داد و سایه‌بانی از بوریای بر سر تربت فاطمه معصومه علیها السلام نهاد. در سال ۲۵۶ ق زینب، نواده‌ی امام جواد علیه السلام به قم آمد و بر تربت منور، قبه‌ای بنیاد کرد. (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۳)

حضرت معصومه علیها السلام در اوّل ذیقعده سال ۱۷۳ق در مدینه به دنیا آمد و رحلت ایشان در سن ۲۸ سالگی در دهم ماه ربیع‌الاول ۲۰۱ در قم، دو سال قبل از شهادت حضرت رضا علیه السلام رخ داده است. (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۳) امام صادق علیه السلام در بیان مقام معنوی این بانوی جلیل‌القدر، فرمود: «در شهر قم، دختری از فرزندان من که نام او فاطمه دختر موسی است، دفن خواهد شد که تمامی شیعیان من با شفاعت او، بهشتی می‌شوند». (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۹۶) چنین توصیف عظیمی از طرف امام معصوم علیه السلام که هرگز از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید و تعبیر «مقام شفاعت» که همه شیعیان را در بر خواهد گرفت، تصویرگر شخصیتی است که تالی تلو معصوم است و تا مرزهای عصمت پیش رفته است. امام رضا علیه السلام در شأن آن بانوی عظیم‌الشأن فرمود: هر که معصومه علیها السلام را در قم زیارت کند، مانند آن است که مرا زیارت کرده است. (خوانساری، ۱۲۷۸: ۴۴۹) از این روایت چنین استفاده می‌شود که لقب «معصومه» را حضرت رضا علیه السلام به ایشان داده است؛ از سوی دیگر، از این فرمایش حضرت رضا علیه السلام می‌توان چنین نتیجه گرفت که حضرت فاطمه - کبری علیها السلام درجاتی از عصمت را دارا بوده است؛ گرچه عصمت کامل که شامل عصمت از گناه و عصمت از خطا می‌باشد تنها در چهارده معصوم علیهم السلام خلاصه می‌شود. در همین راستا، در مورد عدم ازدواج فاطمه معصومه علیها السلام، برخی معتقدند به دلیل آنکه آن حضرت درجاتی از عصمت را دارا بود، در زمان حیات ایشان، فردی که دارای این مقام باشد و هم کفو آن حضرت باشد موجود نبود؛ از سوی دیگر طبق آموزه‌های اسلامی و قرآنی، اطاعت زن از همسر واجب است؛ در اینصورت امکان ازدواج حضرت معصومه علیها السلام با فردی غیر معصوم که احتمال خطا در تصمیم‌گیری و اجرا دارد، نیز منتفی بود. در این زمینه می‌توان گفت: مشکلات اقتصادی خانوادهٔ پرعائلهٔ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام یکی از معضلات پیش‌روی فرزندان آن حضرت در امر ازدواج بوده است (مرعشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۱۹) و این امر در مورد فاطمه معصومه علیها السلام نیز قابل تعمیم است. از سوی دیگر اوضاع سیاسی زمان امام

کاظم علیه السلام چنان خفقان‌زا بود که اشخاصی که تصمیم به ازدواج با صبیبه‌های آن حضرت داشتند بلافاصله از ناحیه مأموران هارون الرشید، مصادوم و یا مسموم می‌شدند و کسی جرأت نمی‌کرد که در این راه، قدم جلو گذارد. (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۴: ۱۴۷)

در کنار همه این احتمالات، احتمال قابل تأمل دیگری نیز هست و آن اینکه، در هنگام شهادت امام کاظم علیه السلام در سال ۱۸۳ق، فاطمه معصومه علیها السلام ده ساله بوده است و چه بسا بعد از شهادت امام هفتم علیه السلام تا هجرت امام رضا علیه السلام به مرو، در سال ۲۰۱ق زمینه‌ای برای ازدواج حضرت فاطمه معصومه علیها السلام فراهم نشده بود. از سوی دیگر، طبق وصیت امام موسی بن جعفر علیه السلام ازدواج دختران آنحضرت، باید با اجازه و مشورت امام رضا علیه السلام باشد. (کلینی، ۱۳۶۹: ۱/۲) می‌توان چنین احتمال داد که حضرت معصومه علیها السلام بعد از هجرت امام رضا علیه السلام بنا بر وصیت پدر بزرگوارش و بنابر صلاح‌دید امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، مجرد باقی مانده است.

۶. پیامدهای هجرت حضرت معصومه علیها السلام به ایران

۶-۱. تداوم حضور امامزادگان در ایران و گسترش فرهنگ جهاد و شهادت در پی انتقال اجباری امام رضا علیه السلام به خراسان، حضرت معصومه علیها السلام که پیام‌آور فرهنگ و معارف اهل‌بیت علیهم السلام و مدافع مظلومیت امامان شیعه و تداوم‌بخش راه پدر بزرگوارش در مبارزه با طاغوت‌های زمان بود، با تأسی از امام خویش، هجرت را بر ماندن ترجیح داد و راهی مرو شد. براساس شواهد تاریخی، مسیر حرکت کاروان حضرت معصومه علیها السلام، مسیری بود که حرکت امام رضا علیه السلام از آن مسیر، ممنوع شده بود. (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۴۸۱) حرکت کاروان حضرت معصومه علیها السلام از این مسیر ممنوعه و حضور ایشان در بین دوستداران و محبان اهل‌بیت علیهم السلام، بیانگر نوعی مبارزه و مخالفت آشکار با حکومت عباسی بود. به اعتقاد برخی علماء و محققان شیعه، عوامل حکومتی بنی‌عباس، در شهر ساوه به کاروان حامل آن حضرت حمله کرده و همراهان

ایشان را به شهادت رساندند و آنحضرت را نیز مسموم نمودند. (تشید، ۱۳۳۱ : ۱۶۸)

با این وصف، به نظر می‌رسد نظر مؤلف کتاب تاریخ قم - وفات حضرت معصومه علیها السلام در اثر بیماری - ناشی از موضع محافظه کارانه اغلب اشعریان در قبال دولت عباسی بوده است؛ رهبران اشعری‌های قم که با حمایت حاکم عباسی، آنجا را در کنترل داشتند، ایضاً به عنوان پاسداران امامی مذهب‌ان عمل می‌کردند. (مادلونگ، ۱۳۷۲: ۱۴۹-۱۶۲)

پس از رحلت و به قولی شهادت حضرت معصومه علیها السلام و تأکید امامان اهل بیت علیهم السلام بر زیارت آن بانوی کریمه، شهر قم، مضجع فرزندان ائمه و مدفن علماء و سادات بلاد مختلف اسلامی گردید. شیعیان قم، با استقبال از سادات و پیروان اهل بیت علیهم السلام، موجبات توجه بیش از پیش امامزادگان و منسوبان اهل بیت علیهم السلام به این منطقه را فراهم نمودند. از نیمه‌های قرن سوم هجری، ساداتی از فرزندان ائمه (حسنی، حسینی، موسوی، رضوی) و همچنین از فرزندان محمد حنفیه، زید بن علی، اسماعیل بن امام صادق، وارد قم شدند. اولین کسی که از سادات رضوی، در سال ۲۵۶ ق از کوفه به قم آمد، جد سادات رضوی، ابو جعفر موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام ملقب به «موسی مبرقع» است. (ابن عنبه، بی تا: ۱۸۲)

۲-۶. تأسیس و توسعه حوزه علمیه قم

تاریخ این کانون علم و فقاہت، به قرن‌ها قبل برمی‌گردد. ابراهیم بن هاشم قمی، سعد بن عبدالله قمی، احمد بن اسحاق قمی، علی بن بابویه قمی و ده‌ها محدث و عالم شیعی از اوایل قرن سوم هجری به بعد، زمینه گسترش علم و ادب و حدیث را در این شهر ایجاد کرده بودند. حوزه علمیه قم، خاستگاه علمای بزرگی همچون مرحوم میرزای قمی، ملاصدرا فیلسوف نامی شیعه، فیض کاشانی، شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی امام خمینی بود که برای معرفی علمی و عملی اسلام به

جهانیان تلاش نمودند و یکی از نتایج عظیم تلاش‌های پیگیر آنان، پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که باعث شد شهر قم به عنوان مرکز ثقل جغرافیای معرفتی جهان تشیع، محور نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام در عالم گردد. به نظر می‌رسد وضعیت کنونی شهر قم، تحقق وعده امام صادق علیه‌السلام است که فرمود: «زمانی می‌رسد که از قم، علم و دانش به دیگر شهرها - از شرق تا غرب عالم - منتشر می‌شود؛ تا جایی که این شهر، اسوه و الگوی شهرهای دیگر گشته و هیچکس در روی زمین باقی نمی‌ماند که از قم به او بهره‌های علمی و دینی نرسد تا آنکه زمان ظهور حجت خدا و قائم ما فرا رسد». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۷/۲۱۳).

۳-۶. تغییر نگرش ایرانیان، از مردسالاری به شایسته‌سالاری و تکریم مقام زن

بعثت نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نویدبخش رهایی زنان از یوغ جهل و نادانی بود. آیات نورانی وحی، زنان و مردان را مکمل یکدیگر برشمرد. (بقره: ۱۸۷) و تنها مایه برتری راه، تقوی دانست. (حجرات: ۱۳) در این راستا، زنان بزرگی در اسلام به منصب ظهور رسیدند که آوازه معرفت و معنویت آنان، عالم گیر شد؛ یکی از آنان ام‌الائم - فاطمه زهرا علیها‌السلام - بود که امام رضا علیه‌السلام در مورد حجیت ایشان بر ائمه اطهار علیهم‌السلام فرمود: «نحن حجج الله علیکم و ائمة فاطمه حجة الله علينا؛ ما حجت‌های خدا بر شمائیم و مادر ما فاطمه علیها‌السلام حجت خدا بر ما (اهل بیت علیهم‌السلام) است. (عاملی کورانی، ۱۴۲۲: ۲۳۷/۷)

فاطمه معصومه علیها‌السلام نیز چون حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام دارای مقام شفاعت است. به شفاعت این بانوی گرامی، بسیاری از شیعیان داخل بهشت می‌گردند. در این باره امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «آگاه باشید، برای بهشت هشت در است؛ سه تا از آنها به سوی قم باز می‌شود. در آنجا بانویی قبض روح می‌شود. او از جمله فرزندانم و نامش فاطمه - دختر موسی - است. به شفاعت او همه شیعیان داخل بهشت می‌گردند. (شوشتری، ۱۳۷۷: ۸۳/۱) صدور زیارت‌نامه مخصوص فاطمه معصومه علیها‌السلام، از جانب امام رضا علیه‌السلام،

نشان‌دهندهٔ مقام عظیم آن بانوی بزرگوار است؛ امام هشتم علیه السلام در این زیارت‌نامه، این چنین خواهر خویش را خطاب می‌نماید: «یا فاطمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ؛ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ» (مجلسی: ۹۹ / ۲۶۷)؛ دارابودن مقام شفاعت، نشان از داشتن وجاهت نزد خداوند و پیمودن مراحل کمال معنوی، توسط این بانوی کریمه است؛ زیرا خداوند در قرآن فرموده است: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ». (انبیاء: ۲۸) مسلمانان جهان و بخصوص شیعیان که معتقد به اصل شفاعت هستند از نقاط مختلف دنیا به زیارت آن حضرت نائل می‌شوند و از آن بانوی جلیل‌القدر برای شفاعت در آخرت، استمداد می‌نمایند. این موضوع باعث تغییر نگرش مردم‌محوری در بین مسلمانان و بخصوص مردان ایرانی گشته و امروزه به برکت حضور آرامگاه فاطمه معصومه علیها السلام در ایران، زنان فرهیختهٔ زیادی در قم و سایر مناطق ایران، با آزادی کامل به فعالیت در حوزه‌های مختلف عقیدتی، سیاسی، اجتماعی مشغول هستند و برخی از ایشان، در مقام اجتهاد و پرچم‌داران علوم اهل‌بیت علیهم السلام در عالم اسلام می‌باشند.

نتیجه

سیاست راهبردی خلفای اموی و عباسی، به حاشیه‌راندن اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود تا بتوانند با حربۀ انتساب به پیامبر صلی الله علیه و آله، خود را به‌جای ایشان بر مردم تحمیل نمایند. اما سیاست ائمه‌اطهار علیهم السلام و خاندان ایشان، حضور در عرصۀ اجتماع و شناساندن اسلام ناب در مقابل اسلام اموی و عباسی و دفاع از اصل ولایت و امامت منصوص بود؛ همان‌که امام رضا علیه السلام در حدیث سلسله الذهب در نیشابور بیان فرمود. به‌نظر می‌رسد مبارزه با توطئه‌ها و دسیسه‌های خلافت عباسی در به حاشیه‌راندن اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، معرفی چهرهٔ صحیح اسلام (به روش علمی و عملی) به مسلمانان و پیروان سایر ادیان در ایران، تلاش در خشتی نمودن هجمه‌ی فرهنگی جنبش‌های ضد مکتبی نو رسته در عرصۀ حیات سیاسی اجتماعی اسلام (مانند نهضت شعوبیه) و دفاع از امامت

منصوص و ولایت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از مهم ترین علل سفر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به ایران بوده اند. آن بانوی جلیل القدر در راستای اهداف مقدس خود، شهر قم را که کانون تشیع و محبت اهل بیت علیهم السلام در ایران بود برای اقامت برگزید و در همان شهر به لقاء الله پیوست. تداوم حضور امامزادگان در ایران و گسترش فرهنگ جهاد و شهادت، تأسیس و توسعه حوزه علمیه قم و نقش محوری مدفن این بانوی کریمه به عنوان مرکز ثقل جغرافیای معرفتی جهان تشیع و محوریت نشر معارف اهل بیت علیهم السلام در عالم، تغییر نگرش مسلمانان و بخصوص ایرانیان، از مردسالاری به شایسته سالاری و تکریم مقام زن را می توان از پیامدهای حضور فاطمه معصومه علیها السلام در ایران دانست.

فهرست منابع و مآخذ

• قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۳۸۰)، تاریخ کامل (الکامل فی التاریخ)، ترجمه سید محمد حسین روحانی و حمیدرضا آژیر، تهران: اساطیر.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه آقا نجفی اصفهانی، به کوشش محمد البدراوی، قم: بکا.
۳. ابن عنبه، احمد بن علی، (بی تا)، عمدہ الطالب فی انساب آل ابی طالب، قم: مؤسسه انصاریان.
۴. ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن ابراهیم، (۱۹۶۷)، مختصر کتاب البلدان، لیدن.
۵. ابومخنف، لوط بن یحیی، (۱۳۴۸)، کنز الانساب و بحر المصاب، مشهد: دایره امور فیلمتک آستان قدس رضوی.
۶. اربلی، علی بن عیسی، (بی تا)، کشف الغمه فی معرفه الانمه، تعلیق هاشم رسولی، تبریز: بنی هاشمی.
۷. امین، محسن، (بی تا)، اعیان الشیعه، ج ۴، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۸. تشید، علی اکبر، (۱۳۳۱)، «هدیه اسماعیل» یا «قیام سادات علوی برای به دست آوردن خلافت»، تهران: تشید.
۹. جعفریان، رسول، (۱۳۸۶)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران: علم.
۱۰. خمینی، روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. خوانساری، حیدر بن محمد، (۱۲۷۸)، زبده التصانیف، قم: بی نا.
۱۲. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، تاریخ ایران بعد از اسلام، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
۱۳. _____، (۱۳۸۴)، دو قرن سکوت: سرگذشت حوادث و اوضاع تاریخی در دو قرن اول اسلام، چاپ بیستم، تهران: سخن.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، (بی تا)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، تصحیح مصطفی حسین احمد، بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۵. زیدان، جرجی، (۱۳۸۴)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، چاپ یازدهم، تهران: امیرکبیر.
۱۶. سید، داخل بن سیدحسین، (۱۴۱۲)، من لایحضره الخطیب، بیروت: بی نا.
۱۷. شوشتری، نورالله، (۱۳۷۷)، مجالس المؤمنین، تهران: اسلامیه.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ق)، الغیبه، تحقیق شیخ عبادالله تهرانی و شیخ علی احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۹. طبری، محمد بن جریر بن رستم، (۱۳۸۳)، دلائل الامامه، نجف: مطبعه الحیدریه.
۲۰. عاملی کورانی، علی، (۱۴۲۲ق)، الانتصار، بیروت: دارالسیره.
۲۱. عاملی، جعفر مرتضی، (۱۳۶۵)، زندگانی سیاسی امام رضا علیه السلام، تهران: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
۲۲. علم الهدی، علی بن حسین، (۱۳۴۸)، کنز الانساب معروف به بحر الانساب، مشهد: دایره امور فیلمتک آستان قدس رضوی.

۲۳. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، (بی تا)، کتاب الوافی، تعلیق ضیاءالدين علامه، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام العامه.
۲۴. قزوینی رازی، عبدالجلیل، (۱۳۵۸)، **النقض**، تهران: انجمن آثار ملی.
۲۵. قمی، حسن بن محمد، (۱۳۶۱)، **تاریخ قم**، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، تحقیق سیدجلال الدین تهرانی، تهران: توس.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۹)، **اصول کافی**، ترجمه جواد مصطفوی و هاشم رسولی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
۲۷. مادلونگ، ویلفرد، (۱۳۷۲)، «**تشیع امامی و زیدی در ایران**»، ترجمه رسول جعفریان، **کیهان اندیشه**، شماره ۵۲، صص ۱۴۹-۱۶۲.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۷۶)، **جلاء العیون**، چاپ چهارم، قم: انتشارات سرو.
۲۹. _____، (۱۴۰۳)، **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۰. محمدی اشتهاردی، محمد، (۱۳۸۴)، **حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوّم**، چاپ دوّم، قم: اخلاق.
۳۱. مرعشی، شهاب الدین، (۱۳۸۰)، **گنجینه شهاب**، قم: کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی نجفی.
۳۲. موسوی چهارسوقی اصفهانی، میرزاه محمدباقر، (بی تا)، **روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات**، قم: اسماعیلیان.
۳۳. مهدی پور، علی اکبر، (۱۳۷۴)، **کریمه اهل بیت علیهم السلام**، قم: نشر حاذق.
۳۴. نبئی، ابوالفضل، (۱۳۷۶)، **نهضت های سیاسی مذهبی در تاریخ ایران: از صدر اسلام تا عصر صفوی**، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۳۵. النجاشی الکوفی، ابوالعباس احمد بن علی، (۱۴۱۶)، **رجال النجاشی**، تصحیح آیت الله زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۶. همایی، جلال الدین، (۱۳۶۳)، **شعوبیه**، اصفهان: صائب.